مهربان که تنها دغدغه‌اش فرزندش بود و به‌خاطر او استقامت کرد تـا برای بودن او هر بهایی را بپردازد تا در کنار او بماند، یاد می‌کند. کلمه‌به‌کلمه این متن الگویی است که نظام مردسالارانه می‌خواهد به جامعه به‌عنوان زن تراز، حقنه کند. چرا باید این کار را می‌کرد؟ آیا گزینه دیگری نداشته است؟ نمی‌توانست مستقل شود؟ چرا برای بودن در کنـار فرزندش باید این اتفاق برایـش رخ می‌داد؟ در این متن، زن تراز به‌عنوان زنی صبور تعریف می‌شود که لب به شکایت باز نمی‌کند؛ همان چیزی را تاکید می‌کنیم که نباید رخ دهد. موارد زن‌کشی پیشینه‌ای از سال‌ها مداومت در انواع خشونت فیزیکی، روانی و جنسی دارد و اگر در هر مرحله مسیر، حمایت‌های قانونی و اجتماعی صورت می‌گرفت، بعد از سال‌ها تحمل خشونت، به این نقطه‌نمی‌رسید.»

از نگاه او زن‌کشی در ایران به یک بحران اجتماعی تبدیل شده اسـت و آمارها آن را تایید می‌کنند: «نقش قوانین و ساختارها در بروز این روند، واضح است و در ماجرای مونا حیدری و رومینا اشرفی به‌وضوح نقش قوانین و ساختارها را می‌بینیم. این بحران اجتماعی نیاز به یک مداخله اجتماعی دارد؛ زن‌کشـی اختلاف خانوادگی و یک مسـئله شخصی نیست، بلکه خشـونتی عریان و جنایتی مبتنی بر جنسیت اسـت که با همدسـتی قانون و ساختارهای مردسـالارانه رخ می‌دهد. مطالبه در فضای ایـده‌آل به یک اقدام جامع بین‌بخشی و کل‌نگر نیاز دارد که مهم‌ترین آن تغییر قوانین است. بدون این تغییر اتفاقات دیگری رخ نمی‌دهد. علاوه بر این مطالبه بعدی در سطح ایده‌آل ایجاد یک سیستم سراسری مداخله در بحران است که شامل تامین امنیت خشونت دیده، نظام ارجاع و غربالگری اسـت. علاوه بر این ما برخی مناطق هشـدار درباره زن‌کشـی داریم مانند خوزستان و کردسـتان که برای آنها نیاز به برنامه‌های ویـژه داریم. درنهایت هم به یک تغییر فرهنگی جامع در همه سـطوح از طریق آموزش و رسانه نیاز داریم. وقتی درباره تغییر قوانین صحبت می‌کنیم، براساس همه تجربه‌های خودفکر می‌کنیم که قوانین فعلی نه‌تنها بازدارنده نیستند، بلکه مشوق و محرک‌اند و این تغییر قوانین در درجه اول باید در خود مسئله رخ دهد. یعنی در زن‌کشی و تجاوزهای جنسی خانگی، پرونده‌های زیادی در این موضوع داریم که مشخصاً مطالبه حبس ابد است. در خشونت‌های کمتر از قتل، طالب این است که نحوه اثبات باید تغییر کند. خشـونت خانگی جرم‌انگاری نشـده و در این شرایط چطور ممکن است که زن در خانه مورد خشونت قرار گیرد و برای آن شاهدی داشته باشیم. به‌تازگی نیز در هیچ‌کدام از پرونده‌های خود نمی‌توانیم اثباتی در این مسئله داشته باشیم؛ وقتی کسی مرتکب خشونت‌شده و قانون فاصله از آن خشونت‌دیده ایجاد شود.»

افتخارزاده تاکید کرد که در موارد زن‌کشی باید بخش عمومی جرم هم در نظر گرفته و برای آن قوانینی تصویب شود: «اینکه همسر مونا حیدری بعد از تعقیب او، با همدستی مردان قبیله از جمله پدر مونا، او را از آن‌سـوی مرز برمی‌گرداند، سـرش را می‌برد، در شهر می‌گرداند و بعد از چندماه از زندان آزاد می‌شود، یک خشونت فردی نیست؛ بلکه بیانیه مردسالاری علیه زنان و جامعه است که سر مونا را در شهر چرخاندم و بعد آزاد شدم. قاتل رومینا اشرفی قبل از اقدام به قتل، درباره مجازات آن تحقیق کرده و آگاهانه سر دخترش را بریده اسـت. در این موضوع، سیستم حتی اشد مجازات ۱۰ ساله را هم برای پدر رومینا اشرفی انجام نداده و برای او ۹ سال حبس در نظر گرفته است. این نکات پیغامی به جامعه است و روشن است که بعد از چنین وقایعی باید منتظر افزایش خشونت و زن‌کشی باشیم.»

او گام بعدی برای اصلاح شرایط فعلی را، تصویب قوانین برابری جنسـیتی اعلام و اضافه کرد: «این قوانین باید در همه حیطه‌ها بدون هیچ تبصره‌ای در نظر گرفته شـود؛ نمونه آن حقوق باروری است که الان زن به‌مثابه یک ماشین تولید فرزند در نظر گرفته شده، نه به‌عنوان یک انسـان و هیچ حقی به بدن و باروری خود ندارد، یا تغییراتی که درباره قوانین مربوط به سـن ازدواج باید اعمال شود. این موارد به این دلیل ذیل زن‌کشی مطرح می‌شود که ریشه‌ای در ساختار، نگاه و فرهنگ دارد که به زن نگاه ابزاری و کهتری دارد که به‌بدترین شکل خود یعنی زن‌کشی منجر می‌شود.»

افتخارزاده در آخر بر آموزش پیشـگیری از خشـونت در رسانه و نظام آموزشـی تاکید کرد و گفـت: «ما در بحث مداخله و تامین امنیـت، نیاز به خط تلفن اضطـراری، اورژانس اجتماعی واقعی، خانه‌های امن گسترده داریم. سیستم از ۱۴۰۱ به بعد این نگاه را دارد که آنقدر به خانه‌های امن غیردولتی فشار بیاوریم که خودشان کارشان را تعطیل کنند. هرگاه برابری جنسیتی در همه سطوح و ابعاد رخ دهد، می‌توانیم امیدوار به کاهش خشونت باشیم.»

ردپای امر اجتماعی در بستر قتل

ندا گلبهاری، جامعه‌شناس و پژوهشگر اجتماعی، یکی دیگر از سـخنرانان این نشست بود. او گفت که ناشناخته‌ماندن به دوام و پایداری چرخه خشـونت، سـلطه مردسـالار و محرومیت‌های جنسـیتی منبعث از آن کمک می‌کند: «علت ناشـناخته‌ماندن این اسـت که درونی می‌شود و به‌طور جمعی می‌پذیریم و از قبل پذیرفته‌شـده اسـت. رنج‌ها و خشـونت‌های منبعث از خشونت نمادین در تعاریف، انتظارات و باورهای جمعی پذیرفته‌شده، ریشه دارد. به‌همین‌دلیل نه‌تنها دیده نمی‌شـود بلکه گاهی مشـروع و طبیعی هم به‌چشـم می‌آید. این باور کـه خواهر مظهر ناموس و شرف برادر یا پدر یا همسرش است. درونی‌شدن چنین باورهایی باعث می‌شود که جامعه این خشونت را به‌عنوان خشونت و سلطه مردسـالارانه درک نکند و به‌تبع آن خود قربانـی هم آن را به‌عنوان خشونت و تسـلیم در برابر یک سلطه مردسـالار درک نمی‌کند و تحت‌تاثیر القائات فرهنگی در بازتولید آن علیه خودش، مشارکت می‌کند.» به اعتقاد او نکته جالب خشونت نمادین این است که با همکاری و هم‌دستی قربانی علیه قربانی بازتولید می‌شود و چرخه آن ادامه پیدا می‌کند: «وقتـی از قربانی در قتل‌های به‌اصطلاح ناموسی صحبت می‌کنیم عمدتاً ذهن ما متوجه زنی است که کشته شده است. زنان بی‌واسطه‌ترین قربانی خشونت نمادین در موضوع زن‌کشی هستند. نه‌تنها در لحظه قتل، بلکه در تمام مراحل قبل از آن هم زنان، قربانیان سـطح اول این خشونت نمادین هستند. مردان هم به‌نوعی در سطح نمادین، قربانی این خشونت هستند؛ قربانیانی که با ارتکاب قتل؛ چرخه خشـونت علیه خودشان را با هم‌دستی خودشان بازتولید می‌کنند. ما باید به زن‌کشی از منظر خشونت نمادین در سه سطح خرد بین‌فردی، میانه (نهادی) و کلان (سطح معنایی و فرهنگی) نگاه کنیم. تاکید می‌کنم که حرف‌های من به‌منزله سلب مسئولیت فردی از قاتل نیست و فقط می‌خواهم ردپای امر اجتماعی که بستر قتل را فراهم می‌کند، جست‌وجو و به آن نگاه کنیم. در سطح بین‌فردی ما شاهد مردی هستیم که زنی را بـا عنوان اینکه ناموس او بـوده و از دید او و اجتماع اطراف‌اش، مرتکب خطای ناموسـی شده، به قتل رسانده است. این در وهله اول یک خشـونت آشـکار فیزیکی اسـت. در حقیقت خشـونت فیزیکی در این سطح، نوک کوه یخ و صورت مرئی خشونتی است که پیش‌تر و در سالیان دراز در کانون ذهن، احساس و عاطفه مرد حک و تثبیت شده و از طریق رفتارهای بدنمند و جسمانی، تجلی پیدا می‌کند. ذهنیت، عاطفه و احساس، نه از طریق اجبار بیرونی، بلکه از راه درونی‌سازی شکل گرفته است.»

به اعتقاد این پژوهشـگر: «مکانیزم عمل خشونت نمادین، در سطح خرد درونی‌سازی سـلطه نمادین مردسالار در نظام فکری، احساسـی و ارزشی مرد اسـت. مجموعه‌ای از گزاره‌ها، ارزش‌ها و بایدها و نبایدهای جنسیتی برای مرد درونی شده، آنها را به‌عنوان بخشی از هویت خودش پذیرفته و درونی کرده است. به‌عنوان مثال، اینکه بدن زن و رفتارش منبع شـرف و آبروی مرد است یا اینکه زن خوب، زنی اسـت که باحیا و پاکدامن باشد و خودش را فقط برای مردش حفظ کند و مرد خوب هم مردی اسـت که غیرت داشـته باشـد، مرد بی‌غیرت بی‌ارزش اسـت و مایه بی‌غیرتی و آبوریزی خودش و خانواده‌اش است. نظام فکری، احساسی و عاطفی مرد که در کنش و رفتارهای او در زن‌کشی تجلی پیدا می‌کند، براساس چنین ارزش‌های درونی‌شده‌ای شکل گرفته است.» گلبهاری در ادامه گفت: «نهادهای مختلف دست‌به‌دست هم می‌دهند و کلیشه مرد شـرافتمند غیرتمند ناموس‌پرست را بازتولید می‌کنند. مردی که حیثیت‌اش را از طریق کنترل و مهار بدن زن به‌دسـت می‌آورد. بنابراین هرکدام از این نهادها در جای خودشان و در حوزه کارکردی خودشان، قواعد و رویه‌های مشروع رفتار را تثبیت می‌کنند و به آن پایداری می‌گویند. اما این ارزشمندی و مشروعیت را باید در سطح کلان، نظام معنایی و گفتمان‌های مسلط جست‌وجو کرد. در سطح کلان، خشـونت نمادین در سـطح نظام فرهنگی و گفتمان‌های جنسیتی مسلط و به‌عبارت‌دیگر، به‌شکل یک نظام معنایی عمل می‌کند. مجموعه‌ای از باورها، ارزش‌ها، اسطوره‌ها، کلمات، نمادها و معانی کـه بدن و رفتار زن را متعلق به حوزه افتخار و شـرف مرد تعریف و تعیین می‌کند که در این حوزه چه‌چیزی طبیعی، اخلاقی، مقدس یا ارزشمند اسـت. گفتمان مسلط مردسالارانه، چارچوب معنایـی تولیـد می‌کند که در آن مردسـالاری، غیـرت، ناموس و نجابت، معنای مثبت با خودشـان حمل می‌کنند و ارزشـمندند و به‌همان‌نسـبت آزادی زن در مدیریت بـدن خودش، نکوهیده و ضدارزش اسـت؛ به‌حدی که دامن خانواده به‌ویژه عناصر ذکور را لکه‌دار و بی‌آبرو می‌کند.»

لزوم قانون‌گذاری جلوتر از آگاهی‌رسانی

شیما قوشه، وکیل پایه یک دادگسـتری هم در این نشست از لزوم قانون‌گذاری جدید درباره زن‌کشی و نظارت مستمر بر اجرای آن گفت. او حرف‌هایش را با توصیف مواد قانونی قانون اساسی که در آن به موضوع زنان پرداخته شـده، شروع کرد: «من می‌خواهم از قانون اساسـی ایران شروع کنم. اصلاً ببینیم ما کجای داستان قانون‌گذاری هستیم؟ یعنی قانون اساسی ما در ۴۶ سال گذشته دقیقاً چه می‌گوید؟ در قانون اساسـی، دو بار از زن صحبت شده؛ یک‌بار در مقدمه که نوشته‌شده در دوران طاغوت به زنان نگاه ابزاری وجود داشته و ما می‌خواهیم زنان را از شیء و ابزار بودن دربیاوریم و گفته شده که زنان باید ضمن بازیافتن وظیفه اخیر و پر اجر مادری در پرورش انسان‌های مکتبی، پیشاهنگ و هم‌رزم مردان در میدان فعالیت و حیات باشند. ما با این نگاهی که در قانون اساسی وجود دارد، خیلی توقع عجیب‌وغریبی نمی‌توانیم داشته باشیم.» او ادامه داد: «یک‌بار دیگر هم در اصل ۲۱ قانون اساسـی از زنان یادشده کـه پنج بند دارد که به‌غیر از بنـد اول آن که از زن به‌مثابه زن‌بودن حرف می‌زند و نوشته شده، باید زمینه مناسب برای رشد شخصیت زن مهیا و حقوق مادی و معنوی او احیا شود، در بندهای دوم، سوم، چهارم و پنجم‌اش از زنـان به‌عنوان نگه‌دارنده نهاد خانواده به‌ویژه مادری یاد می‌کند و از عبارات زن سالخورده، زن بی‌سرپرست و... نام می‌برد. بنابراین نگاه قانون‌گذار، ایده‌آل ما هیچ‌وقت نبوده است و به‌واسطه همین قانون اساسی، زن فقط مادر انگاشته می‌شود.»

قوشه معتقد اسـت، در بحث قانون خانواده که از سال ۱۳۰۷ تصویب‌شده، تغییراتی داده‌شده است. در حقوق کیفری هم همین تغییرات طی سالیان صورت گرفته اما حالا ما به فضایی رسیده‌ایم که با آمار بسیار بالایی از زن‌کشی روبه‌رو هستیم: «از منظر حقوقی، بین حقوقدان‌ها و جامعه‌شناسان سوالی شکل گرفته است؛ آنها می‌پرسند که اول باید نهادسازی و فرهنگ‌سازی کنیم و به مردان آموزش دهیـم و بعد از مجلس بخواهیم که قانـون را عوض کند. همیشه فکر می‌کردیم که فرهنگ‌سازی و روشنگری کردن درباره این موضوع راحت‌تر است، اما در همین چندسال اخیر می‌بینیم که حتی این موضوع هم راحت نیست. در همین چندسال اخیر چند ان‌جی‌او بسته شده؟ به چندنفر به‌دلیل فعالیت در این حوزه، حکم قضایی داده‌اند؟ جلوی فعالیت چندنفر از فعالان زن را گرفته‌اند؟»

این وکیل گفت اگر قانون مناسـب داشته باشیم، این قانون بی‌کم و کاسـت اجرا شـود و نهاد ناظری هم بر اجرای آن وجود داشـته باشـد، بخش بزرگی از این اتفاقات را نخواهیم دید: «ما نمی‌توانیم بگوییم مردم آگاه نیستند اما در سال ۱۴۰۴ که همه حداقلی‌ترین گوشی‌های هوشمند را در دست دارند و می‌توانند اطلاعاتی دراین‌باره کسـب کنند، بنابراین مـن نمی‌توانم این گزاره را قبول کنم که مردم آگاه نیستند و باید آگاهی‌رسانی کنیم و به مردان بگوییم اگر بخواهی همسرت را بکشی، کار اشتباهی اسـت! چون آن مرد اصلاً به این فکر نمی‌کند که کارش اشتباه است. مثال این موضوع مونا حیدری و رومینا اشرفی است؛ هم همسر مونا و هم پدر رومینا می‌دانستند دارند چه‌کار می‌کنند. پدر رومینا می‌دانست که اگر دخترش را بکشد، چه‌چیزی انتظارش را می‌کشد؟ بنابراین ما نمی‌توانیم فقط با آگاهی‌رسانی، چنین افرادی را تغییر دهیم.» به گفته قوشه، حتی تعیین نوع و میزان مجازات، با زبان‌دیده اسـت که ولی‌دم است. قاضی هم در این پرونده‌هـای کیفـری، میرزابنویـس اولیای‌دم اسـت: «قاضی می‌پرسـد، قصاص می‌خواهـی؟ دیه می‌خواهـی؟ چه‌چیزی بنویسم؟ اساساً دسـتگاه قضایی در قتل هیچ نقشی در تعیین نوع مجازات اصلی ندارد. بسـیاری از ما مخالف قصاص و اعدام هستیم، اما تعیین نوع مجازات درباره جرمی که شدیدترین جرم بشری اسـت، با خانواده داغدار اسـت. بنابراین منطقی به‌نظر می‌رسد که چنین خانواده‌ای، قصاص بخواهد. ما حتی تا سال ۱۳۷۵ جنبـه عمومی چنین جرم‌هایی را نداشـتیم و اگر قاتل قصاص نمی‌شـد، آزاد می‌شـد. اما با همه مطالباتی که در تمام این سال‌ها درباره موضوع زن‌کشـی وجود داشته، قانون جنبه عمومی جرم هم تغییر نکرده است. حکم ۳ تا ۱۰ سال برای جنبه عمومی این جرم درنظر گرفته شده و حتی قاضی ممکن است با افکار عمومی، لج کند و مثل پرونده رومینا اشرفی حتی ۱۰ سال حکم نداد، ۹ سـال داد. حتی این مجرمان می‌توانند از ارفاقات قانونی هم استفاده کنند و با گذراندن یک‌سوم جرم، آزاد شوند، مرخصی بیایند یا پابند بگیرند.»

او در پایان گفت که در زمان قتل رومینا، قانونی به‌اسـم قانون رومینا مطرح شـد که حکم ۳ تا ۱۰ سـال حبس تغییـر کند، اما مجلس قبول نکرد: «در حالی که، نه مشکل فقهی داشت، نه شرعی و حتی جامعه هم آمادگی این موضوع را داشت. در قانون ما منطق و تناسبی دراین‌باره وجود ندارد. اگر فقط بگوییم مردم ما باید درباره زن‌کشـی آگاه شـوند، قانون‌گذار در وظیفه خودش نمی‌بیند که قانـون را تغییر دهد. درباره ختنه زنان، قانـون وجود دارد، اما اجرا نمی‌شود. اجرایی‌شدن قانون و نظارت بر آن، خیلی مهم است.»

شیرین احمدنیا
رئیس انجمن جامعه‌شناسی ایران:
زن‌کشی محصول تلاقی سه لایه مهم است: لایه نخست، ساختارهای فرهنگی که هنوز بر مالکیت مرد بر بدن و زندگی فرد تاکید دارند. دوم، نهادهای اجتماعی و قانونی است که در موارد با تساهل و تبعیض امکان بازتولید خشونت را فراهم می‌کنند. سطح سوم هم روایت‌های رسانه‌ای و فرهنگی است که نوعی عادی‌سازی خشونت علیه زنان را شکل می‌دهند

پنجمین خشکسالی تهران

علی شریفی، معاون پیشگیری و کاهش خطر سازمان پیشگیری و مدیریت بحران شهر تهران با اشاره به ورود تهران به پنجمین سال خشکسالی گفت: «شهر تهران در شرایط ویژه‌ای از نظر منابع آبی قرار دارد و عبور از این وضعیت نیازمند هماهنگی، همکاری و عزم جدی تمام دستگاه‌ها و ارگان‌های مسـئول است. لازم است همه نهادهـا ضمن عمل به تعهدات خـود، اقدامات مؤثر و کاربردی را در جهت کاهش اثرات خشکسالی و مدیریت بهینه منابـع آب اجرا کننـد.» او مهم‌ترین محورهای اجرایـی برنامه مدیریت منابـع آبی را شـامل افزایش بازدهی شـبکه‌های انتقال و توزیع آب، کاهش نشت، مدیریت ذخایر و تقاضا، تغذیه سفره‌های آب زیرزمینی و فرهنگ‌سازی برای اصلاح الگوی مصرف عنوان کرد و گفت که دسـتیابی به این اهـداف، تنها با همکاری میان‌بخشی و تعامل مداوم دستگاه‌ها امکان‌پذیر است.

تجویز ۱۵ آزمایش برای هر بیمار

محمدمهدی ناصحی، مدیرعامل سازمان بیمه سلامت، میانگین آزمایش برای هر فرد در تهران را ۱۵ قلم عنوان کرد و گفت: «این تعداد یعنی اینکه هیچ حساب و کتابی در نوشتن آزمایشات نداریم. اگر تشخیص یک بیماری مطرح اسـت، باید آن اقلامی که مرتبط اسـت نوشته شود، نه اینکه یک نسخه الکترونیک ۱۵ قلمی نوشته شود. قطعاً چنین مواردی از جهت علمی پذیرفته‌شده نیست و باید اصلاح شود.» او ادامه داد: «در این راستا تنها بیمه سلامت نمی‌تواند اقدام کند، بلکه لازم است سـواد سـلامت و آگاهی مردم افزایش یابد. همچنین همکاری سازمان نظام پزشکی، پزشکان، انجمن‌های مربوطه، وزارت بهداشت، دانشگاه‌ها و ترسیم پروتکل‌ها و راهنماهای بالینی نیز لازم است.»

شرکت ملی پخش فرآورده‌های نفتی ایران
منطقه خراسان رضوی

آگهی سومین تجدید مناقصه و ارزیابی شماره ۸۱۴/۰۷/۸۱۳۸۰

نوبت دوم

مناقصه گزار: شرکت ملی پخش فرآورده های نفتی منطقه خراسان رضوی

موضوع مناقصه: استفاده از خدمات بخش خصوصی در عملیات سرویس های صنعتی و کنترل کیفیت مجاری عرضه (سومین تجدید)

تاریخ، مهلت و نشانی محل دریافت و تحویل استعلام ارزیابی: دارندگان گواهینامه صلاحیت ایمنی معتبر و مرتبط با موضوع مناقصه با کدهای تاییدشده در زمینه‌های (۱- حمل ونقل ۲- خدمات عمومی ۳- تعمیر و نگهداری ۴- نگهداری و خدمات فضای سبز ۵- امور تاسیساتی)، صادره از اداره کل تعاون، کار و رفاه اجتماعی می‌توانند جهت دریافت فرم استعلام ارزیابی و فرم توانمندی بهداشتی، ایمنی و زیست محیطی از تاریخ انتشار اولین نوبت آگهی (۱۴۰۴/۰۷/۳۰) به آدرس: درگاه سامانه تدارکات الکترونیکی دولت (ستاد) www.setadiran.ir مراجعه نمایند. لازم به ذکر است مناقصه‌گران در صورت عدم عضویت قبلی، می‌بایست مراحل ثبت نام در سایت مذکور و دریافت گواهی امضاء الکترونیکی را جهت شرکت در مناقصه محقق سازند. ضمناً جهت کسب اطلاعات بیشتر با سامانه تاد برای انجام مراحل عضویت با شماره ۴۱۹۳۴-۰۲۱ تماس حاصل فرمایند.

نوع مناقصه: عمومی یک مرحله ای

مبلغ برآورد مناقصه: ۸۱/۶۱۴/۷۸۹/۴۰۳ ریال.

مبلغ تضمین شرکت در فرآیند ارجاع کار: ۴/۰۸۰/۷۳۹/۴۷۰ ریال.

نوع تضمین شرکت در فرآیند ارجاع کار: شامل ضمانت نامه بانکی و سایر موارد مطابق مفاد ماده ۴ آیین نامه تضمین معاملات دولتی مصوب ۱۳۹۴/۰۹/۲۲ که مدت اعتبار آن سه ماهه و این مدت حداکثر برای یک نوبت برابر مدت پیش بینی شده قابل تمدید می باشد.

مدت اجرای کار: یک سال شمسی

مهلت دریافت اسناد مناقصه (دانلود اسناد): مناقصه گران صرفا" بایستی به سامانه تدارکات الکترونیکی دولت مراجعه و نسبت به دانلود اسناد اقدام نمایند. (در صورت دریافت اسناد و مدارک مناقصه از سایر منابع، امکان شرکت در مناقصه و بارگذاری پاکتها میسر نمی باشد).

امکان دریافت (دانلود) اسناد مناقصه از تاریخ چاپ اولین نوبت آگهی (۱۴۰۴/۰۷/۳۰) لغایت پایان وقت اداری روز چهارشنبه مورخ ۱۴۰۴/۰۸/۰۷ ساعت ۱۶

مهلت تحویل پیشنهادها (آپلود اسناد): پیشنهادها (اسناد مناقصه و کلیه مدارک شامل پاکت الف و ب و ج) می بایست از آخرین روز توزیع اسناد مناقصه (۱۴۰۴/۰۸/۸)، لغایت روز پنجشنبه مورخ ۱۴۰۴/۰۸/۲۲ ساعت ۱۶ از طریق سامانه تدارکات الکترونیکی دولت توسط مناقصه گر بارگذاری گردد.

ضمناً علاوه بر بارگذاری پاکت الف و ب و ج در سایت مذکور تا مهلت تعیین گردیده (ساعت ۱۶ روز پنجشنبه مورخ ۱۴۰۴/۰۸/۲۲) فقط پاکت الف (تضمین) به همراه دو نسخه تصویر به صورت فیزیکینیز تحویل دبیرخانه کمیسیون مناقصات منطقه تا مهلت تعیین شده گردد.

جلسه توضیح و تشریح اسناد: ساعت ۱۰ صبح روز دوشنبه مورخ ۱۴۰۴/۰۸/۱۲ در محل سالن جلسات منطقه، برگزار می گردد.

زمان و مکان بازگشایی پاکات: ساعت ۸ صبح روز سه شنبه مورخ ۱۴۰۴/۰۹/۰۴، شرکت ملی پخش فرآورده های نفتی منطقه خراسان رضوی طبقه دوم، (سالن جلسات منطقه)

مدت اعتبار پیشنهادها: به مدت ۹۰ روز از تاریخ ارائه پیشنهادات است و برای یک نوبت قابل تمدید می باشد.

محل اجرای کار: مشهد مقدس و حوزه عملیاتی منطقه خراسان رضوی (نواحی تابعه)

آدرس سایت: www.setadiran.ir www.iets.mporg.ir

شرایط عمومی متقاضی:

۱- ارائه تصویر گواهینامه صلاحیت ایمنی معتبر از اداره کل تعاون، کار و رفاه اجتماعی.

۲- ارائه گواهینامه صادره از معاونت راهبردی ریاست جمهوری با کدهای تایید شده در زمینه های (۱- حمل ونقل ۲- خدمات عمومی ۳- تعمیر و نگهداری ۴- نگهداری و خدمات فضای سبز ۵- امور تاسیساتی)، صادره از اداره کل تعاون، کار و رفاه اجتماعی

۳- ارائه تصویر آگهی ثبتی (تاسیس شرکت).

۴- ارائه تصویر آگهی ثبتی آخرین تغییرات شرکت.

۵- ارائه تصویر اساسنامه شرکت ممهور به مهر و امضاء مجاز.

۶- تمامی مستندات اعلام شده در بندهای (۱ الی ۴) می بایست بصورت برابر با اصل (محضری) باشد.

۷- قیمتها متناسب با کالای ساخت داخل با لحاظ کیفیت ارائه گردد.

۸- حد نصاب تعداد شرکت کنندگان در مناقصه حداقل با حضور هر تعداد مناقصه گر می باشد.

۹- درج امضا الکترونیکی اسناد به هنگام بارگذاری اسناد مناقصه از سوی مناقصه گر الزامی می باشد.

۱۰- با استناد به ردیف ۲ ذیل ماده ۱۶ و نیز بندهای الف و ب ذیل ماده ۱۸ (آ.ا.ک) از (ق.ب.م) عدم رضایت کارفرمایان پیشین و این منطقه مطمح نظر واقع و در صورت داشتن هرگونه اخطار کتبی در پیمان های قبلی با این منطقه، پاکات اسناد ارزیابی کیفی مناقصه گرانی که دارای سابقه اخطار کتبی در پیمان های قبلی با این منطقه باشند، بازگشایی نخواهد شد.

۱۱- فرآیند انتخاب برنده مناقصه وفق دستورالعمل مالی و تعیین کمترین قیمت متناسب در مناقصات وزارت نفت به شماره ۷۹۶-۲/۲۰ مورخ ۱۴۰۴/۰۴/۳۱ مقام عالی وزارت نفت خواهد شد.

دستگاه مناقصه گزار با توجه به معیارهای ذکر شده در فرم های تحویلی و مدارک دریافت شده نسبت به ارزیابی کیفی مناقصه گران اقدام و براساس سامانه ستاد اقدامات مقتضی بعمل می آورد.

شماره ثبت مناقصه در سامانه ستاد: ۲۰۰۱۴۰۹۱۷۸۱۰۰۰۰۱۳

آگهی نوبت اول: روز چهارشنبه ۱۴۰۴/۰۷/۳۰ آگهی نوبت دوم: روز یکشنبه ۱۴۰۴/۰۸/۰۴

شناسه آگهی: ۲۰۲۹۶۳۶

روابط عمومی منطقه خراسان رضوی